



ملکوت به زبان ساده

اهمیت شیوایی بیان در نگارش کتاب‌های قرآنی در گفت‌وگو با محمود پوروهاب، سرگروه داوران حوزه

معارف و مفاهیم قرآنی بخش دانش‌آموزی

سرگروهی داوران حوزه معارف و مفاهیم قرآنی بخش دانش‌آموزی به‌عهده محمود پوروهاب از نویسندگان حوزه کودک و نوجوان است. وی با بیان این‌که مفاهیم عمده کتاب‌ها در راستای قرآن و مفاهیم قرآنی بودند از نوآوری برخی از نویسندگان در ارائه، مطلب و قالب کتاب خبر داد. اما آنچه پوروهاب جای آن را خالی می‌داند توجه به زبان نو و نیز زاویه نگاه جدید به موضوعات است. نویسنده «آسمان کوچک» هم‌چنین توجه به مسائل اخلاقی و انسانی را از جمله موضوعات مهمی می‌داند که نویسندگان کودک و نوجوان باید به آن‌ها توجه داشته باشند و در رابطه با آن دست به قلم شوند.

← آقای پوروهاب، چند عنوان کتاب در حوزه معارف و مفاهیم قرآنی بررسی شد؟

۲۳ عنوان کتاب در حوزه مفاهیم قرآنی برای دانش‌آموزان به‌دست ما رسیده بود که تنها یک عنوان کتاب در این زمینه برای گروه سنی کودک بود و بقیه برای نوجوانان.

← کیفیت کتاب‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کتاب‌ها به‌خصوص آن‌هایی که در حوزه نوجوان نوشته شده بودند خوب بودند. مفاهیم آن‌ها در راستای قرآن بود و ما مشکلی در این زمینه نداشتیم.

← آیا نوآوری خاصی در کتاب‌ها دیده می‌شد؟

برخی نویسندگان کارهای جدیدی در این زمینه انجام داده بودند و موضوع را به شکل داستان‌واره یا نیمه‌حکایتی بیان کرده بودند تا به این شکل مفاهیم را به کودکان و نوجوانان بشناسانند. می‌توان گفت این شیوه، شیوه جدیدی است. البته همه آثار این‌طور نبودند. برخی از آن‌ها همان سبک و سیاق گذشته را داشتند و مستقیماً سر اصل مطلب رفته بودند. اما برخی نویسندگان سعی کرده بودند حالتی داستانی یا نیمه داستانی به ارائه خود بدهند تا حلاوتی به موضوع ببخشند.

← شما این موضوع را مثبت ارزیابی می‌کنید؟

ببینید این شیوه به دو شکل در کتاب‌ها به‌چشم می‌خورد. برخی نویسندگان موضوع را به اطناب کشیده بودند طوری که حوصله مخاطب را سر می‌برد. اما برخی متوجه شده بودند که در این شیوه هم باید حد نگه‌دارند و پرحرفی نکنند؛ در نتیجه خلاصه‌تر کار کرده بودند. بعضی از کتاب‌ها هم در زبان مشکل داشتند. درست است که اسماً برای مخاطب نوجوان نوشته شده بودند اما در عمل برای مخاطب نوجوان قابل هضم نبود یا آنقدر مضامین را پشت سرهم تکرار کرده بودند که برای مخاطب مزاحمت‌هایی را ایجاد می‌کند. بمباران ذهن مخاطب با مطالب زیاد پسندیده نیست.

در میان آثار، کتاب‌های خوبی هم در میان بود که برای مخاطبان مفید است. علاوه بر اینها برخی نویسندگان موضوع خاصی را انتخاب کرده و آن را گسترش داده بودند. مثلاً یکی از دوستان موضوع جبر و اختیار را به شکل‌های گوناگون و از زاویه‌های متفاوت به مخاطب ارائه داده بود. این جزئی‌نگری و سپس گسترش موضوع می‌تواند برای مخاطب جالب باشد.

← به نظر شما آموزش مفاهیم قرآنی به مخاطب کودک و نوجوان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

شاید ما واقعاً نتوانیم در برخی موارد به آموزش سطحی مفاهیم

نیاز اساسی که بچه‌های ما دارند تقویت مبانی اخلاقی و مسائل انسانی است. کارهای انسانی مثل از خودگذشتگی و جوانمردی که در متون کهن ما بسیار هست باید دوباره برای کودکان و نوجوانان با زبان جدیدتر نوشته شوند. باید به بچه‌ها بیاموزیم که با اجتماع چگونه برخورد کنند، چگونه به دیگران کمک کنند و... ما باید ارزش‌های اخلاقی مانند احترام به بزرگ‌تر، کمک به ضعیف‌تر از خود و حتی احترام به حیوانات را به کودکان و نوجوانان بیاموزیم. پس اولویت نویسندگان باید پرداختن به مسائل اخلاقی و انسانی و برخورد با جامعه و خانواده باشد.

← یکی از مهم‌ترین اهداف جشنواره، هدایت ناشران به سوی تولید آثار مناسب است. فکر می‌کنید چگونه

جشنواره می‌تواند به این هدف دست یابد؟

گاهی برخی جشنواره‌ها مقطعی هستند و با تغییر مدیران این موضوعات هم تغییر می‌کنند. بنابراین جشنواره باید ادامه پیدا کند و تثبیت شود. کارهای مقطعی ضربه می‌زنند. از سوی دیگر داورها هم بسیار مهم هستند. کسانی باید این کار را انجام دهند که کارشناس این موضوع باشند. علاوه بر این‌ها باید آثار خوب و مؤلف موفق را قدر بدانیم و از داورانی استفاده کنیم که در این زمینه تخصص دارند.

در برخی موارد که کتاب برگزیده می‌شود حتی ناشر بیش از مؤلف خوشحال می‌شود و افتخار می‌کند. بنابراین باید اطلاع‌رسانی بیشتر برای ناشران صورت بگیرد تا در جشنواره شرکت کنند. باید از ناشران موفق نام برده شود چرا که این کار باعث می‌شود به افزایش کیفیت اثر خود تشویق شوند ■

بپردازیم. یا برخی موارد نادر از موضوعات هست که شاید نتوانیم به آموزش عمیق بپردازیم. گرچه در همین موارد هم باید وارد آموزش آن شویم. اما این‌که چگونه وارد بحث شویم، چگونه مقدمه‌چینی و بحث اصلی را بیان کنیم و مطلب با چه شاهد مثال‌هایی همراه باشد تا برای دانش‌آموز مفهوم باشد مهم است. مثلاً در مورد همان نمونه جبر و اختیار، نویسنده واقعا از عهده‌اش برآمده است. پس ما می‌توانیم حتی درباره مرگ و بهشت و جهنم هم چنین کارهایی انجام دهیم.

← چه خلأ یا کاستی‌هایی در آثار دیده می‌شود؟

یکی از خلأهایی که می‌توانم بر آن تأکید کنم این است که ما اصولاً در آثار دینی مشکل زبان داریم، زبانی که به‌روز نیست. مشکل دیگر نداشتن نگاه نو و زاویه دید جدید است. مثلاً توجه نمی‌کنیم که امروزه افراد در مکالمات خود چه کلماتی را به کار می‌برند. زبان امروزی را رعایت نمی‌کنیم و زبان را نو نمی‌کنیم و همان روش خطی را که سبک و سیاق گذشتگانمان است به کار می‌بریم. معمولاً آثار دینی، به صورت خطی ارائه می‌شوند. حتی سعی هم نشده که زبان را عوض کنند. نگاه و زاویه دید هم خیلی مهم است. اگر به این دو موضوع توجه شود شکل بسیاری از آثار عوض می‌شود. الان برخی فقط طرح و شکل ارائه را تغییر می‌دهند یعنی فقط قالب را تا حدی تغییر می‌دهند در نتیجه مشکل زبان هم‌چنان وجود دارد.

← تناسب با نیاز مخاطبان یکی از معیارهای مهم در ارزیابی آثار است. به نظر شما نیاز مخاطبان چیست که نویسندگان را به این موضوع هدایت کنیم؟

